

پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۶

هزار و سیصد و نود و سه - نیمسال دوم

- ۵ • استفاده از سیر انسانی به مثابه جنایت جنگی
صایون جیبس - سالحه رشانی
- ۲۱ • تحلیلی بر تفسیر شورای نگهبان از قوانین آزمایشی در سه لایحه «تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»، «امور گمرکی» و «تجارت»
وحید آگاه
- ۵۷ • قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی و شرایط آن در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با نگاهی به لایحه اصلاح قانون تجارت
مهدی سکتور - سیدعلی حسینی
- ۷۱ • انحصار در کاموس قوانین و بررسی ضمانت اجرای آن در حقوق ایران
حیدر پیری - مهدی مختار - اعظم مؤمنی تیریاری
- ۱۰۵ • چالش‌های کشورها و تأثیر آن بر اموال و دیون کشور سابق در حقوق بین‌الملل
علیرضا باقری لیانه
- ۱۲۹ • حقوق بین‌الملل و امنیت انسانی در هزاره سوم
آرمین طلعت
- ۱۵۹ • جایگاه عامل زمان در تفسیر معاهده بین‌المللی
مژگان ولین‌تیا
- ۱۹۷ • وضعیت نظام حاکمیت شرکتی در حقوق ایران و ضرورت بازنگری لایحه قانون تجارت جدید
اسین چغری





قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی و شرایط آن در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با نگاهی به لایحه اصلاح قانون تجارت

مهدی سخنور* - سیدعلی حسینی**

چکیده

اعاده اعتبار^۱ عبارت است از بازگشت وضعیت تاجر ورشکسته به موجب حکم دادگاه، به حقوق زمان قبل از ورشکستگی و اعتبار بازرگانی که به موجب قانون از او سلب شده بود. با عنایت به قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اعاده اعتبار به دو شکل حقی و قانونی^۲ امکان پذیر است. در امکان اعاده اعتبار حقی اشخاص حقوقی نباید تردید کرد، چراکه طبق قانون هر تاجری که کلیه دیون خود را با متفرعات آن بپردازد، حقاً اعاده اعتبار پیدا می کند و هیچ کدام از شرکت های تجاری نیز از این قاعده مستثنا نیستند. امکان اعاده اعتبار قانونی اشخاص حقوقی از جمع مواد ۵۰۶ و ۵۶۵ قانون تجارت فوق الاشعار قابل استنباط است. بر اساس ماده ۵۰۶ می توان با شرکت تجاری قرارداد ارفاقی منعقد نمود و به موجب ماده ۵۶۵ نیز تاجری که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده می تواند اعاده اعتبار پیدا کند. امکان اعاده اعتبار این اشخاص به واسطه بقای شخصیت حقوقی آنها بعد از انحلال و قبل از تصفیه قابل توجیه است.

شرکت تجاری که تحصیل قرارداد ارفاقی^۳ نموده و جوهری را پرداخته باشد که به موجب قرارداد به عهده گرفته و در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی صحت عمل خود را اثبات نماید، می تواند اعاده اعتبار پیدا کند. همچنین اگر تاجر نتواند وجوه مزبور را پرداخت کند، ولی طلبکاران به اعاده اعتبار او رضایت دهند یا ذمه او را بری کنند می تواند اعتبار خود را اعاده کند. چنانچه شرکت تجاری نتواند با طلبکاران قرارداد ارفاقی منعقد نماید و عملیات تصفیه قبل از پنج سال تمام شود، تحصیل اعاده ی اعتبار منتفی خواهد بود. در غیر این صورت چنانچه از تاریخ اعلان ورشکستگی تا خاتمه عملیات تصفیه حداقل پنج سال طول بکشد و سایر شرایط نیز موجود باشد، این شرکت می تواند اعاده اعتبار نماید.

واژه های کلیدی:

اعاده اعتبار حقی، اعاده اعتبار قانونی، شخصیت حقوقی، ورشکستگی، قرارداد ارفاقی.

مجله پژوهش های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۳۶، نیمسال دوم ۱۳۹۳
صفحه ۵۷-۷۰، تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۴

Email: mehdisokhanvar28@yahoo.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه قم.

Email: ali_hossiny84@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی.

1. rehabilitation

2. legal rehabilitation

3. composition

مقدمه

تجارت بر اساس اعتبار و اعتماد استوار است. تاجری که نتواند اعتماد مردم را به دست آورد و اعتبار کافی میان آنها نداشته باشد، مسلماً با شکست مواجه خواهد شد. تاجری که حکم ورشکستگی او صادر می‌شود، نه فقط از برخی حقوق سیاسی، اجتماعی و شغلی محروم می‌شود، بلکه اعتماد مردم از او سلب شده و حیثیت و اعتبار تجاری وی از بین می‌رود. برخلاف محرومیت‌های ناشی از ارتکاب جرم که با منقضی شدن مدت آن زایل می‌شود، محرومیت‌های ناشی از حکم ورشکستگی تا زمانی که تاجر کلیه دیون خود را نپردازد؛ ادامه پیدا می‌کند. همچنین اعتبار زایل شده او تا این زمان باز نمی‌گردد و اشخاص با وی وارد معامله نمی‌شوند.

پس شایسته و بلکه لازم است که قانونگذار تدابیری بیندیشد تا هم تاجر بتواند از این حجر خارج شود و همچنین حقوق طلبکاران به طور مناسبی حفظ گردد.

به این منظور قانونگذاران کشورهای مختلف به حمایت از چنین شخصی پرداخته و با پیش‌بینی شرایطی، امکان اعاده اعتبار وی را فراهم ساخته‌اند.

قانونگذار کشور ما نیز به تبعیت از قوانین غربی، موادی از قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ را به بحث اعاده اعتبار اختصاص داده است، اما تصریح ننموده که آیا اعاده اعتبار صرفاً مخصوص اشخاص حقیقی است یا اینکه اشخاص حقوقی نیز می‌توانند اعاده اعتبار پیدا کنند.

این امر از همان بدو تأسیس قانون تجارت موجب اختلاف نظر میان حقوقدانان شده است؛ بر همین اساس برخی از حقوقدانان معتقدند که فقط اشخاص حقیقی از این حق برخوردارند که بتوانند اعتبار از دست رفته خود را بازیابند،^۱ در حالی که عده‌ای دیگر بر این باورند که اشخاص حقوقی نیز می‌توانند اعاده اعتبار پیدا کنند.^۲

در این نوشتار خواهیم دید که نظر کدام‌یک از این دو گروه از حیث تحلیلی و انطباق با مواد قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، قوی‌تر و همسو با اجرای عدالت است. همچنین به بررسی لایحه اصلاح قانون تجارت نیز پرداخته و خواهیم گفت که این لایحه تا چه حد قادر است کاستی‌های قانون تجارت فعلی را در رابطه با قابلیت یا عدم قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی، جبران نماید.

در این راستا، در ابتدا به تعریف اعاده اعتبار پرداخته، سپس قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی را بررسی نموده و دلایل مربوط به آن را یک‌به‌یک مورد تجزیه و تحلیل قرار

۱. محمد خواجوی، «اعاده اعتبار شرکت‌های تجاری»، مجله مجموعه حقوقی ۹ (۱۳۲۲)، ۳۸۴-۳۸۵.

۲. محمدعلی، و توفی آشتیانی، «اعاده اعتبار بازرگانان و شرکت‌های تجاری»، مجله مجموعه حقوقی ۲۶ (۱۳۲۲)، ۲۵۵.

می‌دهیم. سپس شرایط اعاده اعتبار اشخاص مزبور را در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه اصلاح قانون تجارت مورد مطالعه قرار می‌دهیم و خواهیم دید که آیا اختلاف در طبیعت اشخاص حقیقی و حقوقی، تأثیری در شرایط اعاده اعتبار آنها دارد یا خیر؟.

۱. تعریف اعاده اعتبار

اعاده اعتبار در لغت به معنی برگرداندن به حالت بضاعت مالی است و در اصطلاح عبارت است از برگشت تاجر ورشکسته به حقوق زمان قبل از ورشکستگی که قانوناً از او سلب شده است.^۱ اعاده اعتبار در اصطلاح حقوقی عبارت است از: «بازگشت تاجر ورشکسته به موجب حکم دادگاه به اعتبار بازرگانی خود به طریقی که حق فعالیت بازرگانی داشته باشد».^۲ طبق این تعریف اعاده اعتبار مخصوص تجار ورشکسته است. دلیل این گفته روشن است چراکه ورشکستگی مخصوص تجار بوده و اعاده اعتبار نیز پس از صدور حکم ورشکستگی و به منظور رفع آثار آن صورت می‌گیرد. بنابراین بدیهی است که فقط تجار ورشکسته بتوانند تقاضای اعاده اعتبار نمایند.

همچنین اعاده اعتبار نیازمند حکم دادگاه است و دادگاه صالح برای رسیدگی به درخواست اعاده اعتبار، دادگاهی است که اعلان ورشکستگی در حوزه آن واقع شده است (ماده ۵۶۶ قانون تجارت). اعاده اعتبار قهری یا حکمی در قانون تجارت فعلی ما وجود ندارد^۳ و حتی اگر تاجر کلیه دیون خود را پرداخت کند، باز باید از دادگاه تقاضای اعاده اعتبار نموده و این دادگاه است که در انتها حکم به اعاده اعتبار او خواهد داد.^۴

۲. قابلیت یا عدم قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی

بحث اصلی در زمینه «قابلیت یا عدم قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی» است. حقوقدانانی را که در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند، می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: در یک‌سو برخی مخالف قابلیت اعاده اعتبار این اشخاص‌اند و در سوی دیگر عده‌ای اعتقاد دارند که این اشخاص نیز می‌توانند اعاده اعتبار پیدا کنند. در این قسمت، ابتدا از دلایل

۱. جواد افتخاری، حقوق تجارت ۴ نظری و کاربردی: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکستگی، (تهران: ققنوس، ۱۳۷۹، ۳۱۳).

۲. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق (تهران: گنج دانش، چاپ هفدهم، ۱۳۸۶، ذیل واژه اعاده اعتبار).

۳. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته (تهران: سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۶)، ۲۳۳ و نیز نک: حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، ج ۴ (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵، ۲۰۱).

۴. هر چند این تأسیس حقوقی اخیراً در لایحه اصلاح قانون تجارت مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۱۳۹ این لایحه مقرر داشته است: «محرومیتهای و ممنوعیت‌های مندرج در ماده ۱۰۷۵ این قانون دو سال پس از اعلام ختم عملیات ورشکستگی رفع و به حکم قانون از تجار اعاده اعتبار می‌گردد. اعاده اعتبار موضوع این ماده منوط به تقدیم دادخواست نیست».

منکرین اعاده اعتبار اشخاص حقوقی اطلاع حاصل نموده و پس از تجزیه و تحلیل آنها، دلایل خود را در مورد امکان اعاده اعتبار اشخاص حقوقی بیان نماییم.

۱-۲. دلایل قائلین به عدم قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی و نقد و بررسی آنها

برخی از نویسندگان معتقدند که به دلایل زیر اشخاص حقوقی نمی‌توانند اعاده اعتبار پیدا کنند:

۱. ورشکستگی هر شرکت تجاری سبب انحلال آن می‌شود. لذا انحلال شخصیت حقوقی شرکت سالب به انتفاء اعاده اعتبار آن خواهد بود.
 ۲. با عنایت به ماده ۵۶۳ قانون تجارت^۱ باید اظهار داشت که مقنن در مقام تجویز اعاده اعتبار شریک ضامن است و نه خود شرکت.
 ۳. فلسفه امکان اعاده اعتبار، شخصیت حقیقی بازرگان است که مادام‌العمر محفوظ می‌ماند. اعاده اعتبار شخص حقوقی پس از انحلال مانند اعاده اعتبار شخص حقیقی پس از فوت است.^۲
 ۴. شرکای شرکت ورشکسته هر زمان که مایل باشند می‌توانند شرکت دیگری تأسیس نمایند و نیازی به اعاده اعتبار شرکت قبلی خویش نخواهند داشت.^۳
- با کمی مذاقه در دلایل یاد شده می‌توان دریافت که هیچ‌کدام پایه و اساس حقوقی نداشته و می‌توان یکایک آنها را با توجه به دلایل زیر رد نمود:
- نخست اینکه این مطلب صحیح که به تصریح مواد ۱۱۴، ۱۳۶، ۱۶۱، ۱۸۱ و ۱۸۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و ماده ۱۹۹ لایحه اصلاحی قانون مزبور، شرکت‌های تجاری با ورشکستگی منحل می‌گردند، اما در ادامه باید توجه داشت که ماده ۲۰۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت تصریح می‌نماید: «تا خاتمه امر تصفیه، شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند». اگر چنین نبود، آن قسمت از ماده ۵۰۶ قانون تجارت که انعقاد قرارداد ارفاقی را با شرکت ممکن دانسته، بی‌اثر بود. مگر امکان دارد که با فرد متوفی قرارداد ارفاقی منعقد نمود؟!

۱. این ماده مقرر نموده است: «برای آنکه شریک ضامن یک شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است ولو اینکه نسبت به شخص او قرارداد ارفاقی مخصوصی وجود داشته باشد».

۲. به نظر می‌رسد که حتی این سخن نیز قابل ایراد باشد، چراکه در سال ۱۳۶۶ قاضی شعبه ۲۶ دادگاه حقوقی یک تهران با احراز شرایط اقدام به صدور حکم اعاده اعتبار از متوفی نموده است. برای دیدن مختصر رأی دادگاه ر.ک: (محمد دمرچلی، علی حاتمی و محسن قرائی، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی (تهران: میثاق عدالت، چاپ پنجم، ۱۳۸۴)، ۸۳۴).

۳. خواجهی، پیشین، ۳۸۴.

دوم آنکه ماده ۵۶۳ قانون مزبور این امر را که اشخاص حقوقی هم می‌توانند اعاده اعتبار نمایند، نفی نمی‌نماید، بلکه در مقام بیان نحوه اعاده اعتبار شریک ضامن یک شرکت ورشکسته است و بر این اساس نیز باید اضافه نمود که اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند. در واقع ماده ۵۰۶ این اختیار را به طلبکاران می‌دهد که با شخص حقوقی - شرکت تجاری - یا شرکای ضامن قرارداد ارفاقی منعقد کنند و ماده ۵۶۳ ناظر به فرض اخیر است و قسمت اول - یعنی انعقاد قرارداد ارفاقی با شرکت تجاری - مشمول ماده ۵۶۵^۱ خواهد بود.

سوم اینکه از یک سو اعاده اعتبار ویژه اشخاص حقیقی نیست، چراکه مطابق ماده ۵۸۸ قانون تجارت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت و امثال ذلک» و یکی از این حقوق، اعاده اعتبار است که با توجه به مثال‌های ذکر شده در انتهای ماده مذکور، هیچ وجه مشابهی با صفات طبیعت انسانی نداشته و جزء آنها به شمار نمی‌رود. از سوی دیگر - با فرض عدم امکان اعاده اعتبار شخص حقیقی پس از فوت - قیاس شخص حقیقی پس از فوت با شخص حقوقی بعد از انحلال (ورشکستگی) قیاسی مع الفارق است، چراکه انسان پس از فوت شخصیت خود را از دست می‌دهد، در حالی که شرکت‌های تجاری در دوران تصفیه، از شخصیت محدود و تضعیف شده‌ای برخوردار هستند.

چهارم آنکه تشکیل شرکت جدید از یک سو نیازمند صرف هزینه و زمان زیادی است (بخصوص در شرکت‌های سهامی). از سوی دیگر ممکن است برخی از شرکا، دیگر حاضر به تشکیل شرکت جدید نباشند. همچنین باید گفت زمانی که شرکت جدیدی تأسیس می‌گردد، همه چیز از ابتدا شروع می‌شود؛ در حالی که ممکن است شرکت دارای سوابق ممتد و درخشان و نام و علامت تجاری شناخته شده‌ای بوده و این نام و علامت تجاری باعث جلب مشتریان زیادی برای آن شرکت در طول عمر تجاری خویش گردیده باشد.^۲

به علاوه امکان بازگشت شخص حقوقی ورشکسته به حالت عادی تجاری خود، باعث احیای سرمایه شرکا و النهایه جلوگیری از فوت منافع مسلم الحصول آنان در آینده می‌گردد. عدم توجه قانونگذار به تصریح امکان اعاده اعتبار اشخاص حقوقی نیز به دلیل نامحسوس

۱. این ماده بیان می‌دارد: «تجار ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌توانند اعتبار خود را اعاده نمایند:

۱- تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمامی وجوهی را که به موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد، این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصا تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود.

۲- تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده‌اند».

۲. محمد صفری، حقوق بازرگانی: ورشکستگی (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶)، ۴۰۹.

و ناملموس بودن چنین سرمایه‌ای در شرکت و همچنین ناآشنا بودن مقنن با منافع ناشی از حقوق مالکیت فکری بوده که کهنگی آن به وضوح در تفکرات حقوقی گذشته پیداست.^۱ پس بنابر آنچه گذشت می‌توان ادعا نمود که چنانچه این شرکت با همین نام و علامت تجاری اعاده اعتبار پیدا کند به نفع شرکا و شرکت خواهد بود و تحمیل شرکا به تشکیل شرکت جدید نیز فاقد توجیه عقلی و مبنای حقوقی است.

۲-۲. دلایل مربوط به امکان اعاده اعتبار اشخاص حقوقی

با توجه به استدلال‌های ذکر شده در ردّ دلایل عدم قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی به نظر می‌رسد بتوان مبنای و دلایل حقوقی برای اعاده اعتبار اشخاص حقوقی یافت. عمده‌ترین دلایل این ادعا را می‌توان چنین بیان نمود:

۱. ماده ۵۰۶ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ انعقاد قرارداد ارفاقی با شرکت‌های تجاری را پیش‌بینی نموده است. البته قانونگذار تنها به ذکر شرکت‌های شخصی^۲ بسنده نموده، ولی این شرکت‌ها از این لحاظ خصوصیتی نداشته و می‌توان با تمام شرکت‌های تجاری مذکور در قانون تجارت قرارداد ارفاقی منعقد نمود. بر این اساس چنانچه اشخاص حقوقی نتوانند اعاده اعتبار پیدا کنند، این حکم قانونگذار بی‌اثر خواهد بود، چراکه شرکت‌های تجاری رغبت و انگیزه‌ای برای ادامه فعالیت نخواهند داشت. همچنین ماده ۵۶۵ قانون مذکور به تاجری که قرارداد ارفاقی تحصیل نموده، امکان اعاده اعتبار می‌دهد.

بنابراین از جمع منطقی این دو ماده باید اظهار داشت که چنانچه با شرکت تجاری قرارداد ارفاقی منعقد شود و پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی بگذرد، همچنین صحت عمل شرکت تجاری در این مدت اثبات شود و شرکت تمامی وجوهی را پرداخته باشد که به موجب قرارداد ارفاقی به عهده گرفته است، طبق بند اول ماده ۵۶۵ قانون مزبور، قادر خواهد بود تا اعتبار خود را اعاده نماید. همچنین باید افزود که چنانچه شخص حقوقی که هنوز موفق به تأدیه کلیه بدهی‌های خود نگردیده است، در صورت رضایت طلبکاران به اعاده اعتبار او و یا ابراء ذمه او نسبت به دیونش؛ مطابق بند ۲ ماده مزبور می‌تواند درخواست اعاده اعتبار نماید.

۲. ماده ۵۶۱ قانون تجارت به صورت عام بیان داشته است: «هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقا اعاده اعتبار

۱. خواجه‌وی، پیشین، ۳۸۵.

۲. توضیح اینکه قانونگذار از جهت تقسیم ریسک ضرر و زیان شرکت میان شرکا و همچنین اهمیت شخصیت شرکا در تشکیل آن، شرکت‌های تجاری را به شرکت شخصی و شرکت سرمایه‌ای دسته‌بندی نموده است.

پیدا می‌کند». پس اگر در دوران تصفیه، مدیر تصفیه یا اداره تصفیه کلیه دیون و متفرعات آن را از دارایی شرکت تجاری بپردازد، شرکت می‌تواند اعاده اعتبار پیدا کند.^۱ (مفاد این ماده موافق نظری است که کمتر بودن دارایی تاجر از دیون او را شرط نمی‌داند).^۲

۳. این مطلب که اشخاص حقوقی بتوانند اعاده اعتبار پیدا کنند به مصلحت آنها و شرکا خواهد بود که توضیح آن در قسمت رد دلایل قائلان به عدم قابلیت اعاده اعتبار شخص حقوقی گذشت.

در پایان ذکر این نکته لازم است که تمام این مباحث، مربوط به قبل از بین رفتن شخصیت حقوقی شرکت است، زیرا بر اساس روح مواد قانون تجارت و مطابق ماده ۲۰۸ لایحه اصلاحی، شرکت تا پایان امر تصفیه از شخصیت حقوقی برخوردار است؛ اما پس از آن دیگر وجود حقوقی ندارد که بتوان برایش قابلیت اعاده قائل گردید.

با دلایل فوق معلوم شد که شخصیت حقوقی شرکت تجاری، تنها برای انجام امور مربوط به تصفیه باقی نیست، بلکه علاوه بر آن و بخصوص از جمع مواد ۵۰۶ و ۵۶۵ قانون تجارت چنین برمی‌آید که برای اعاده اعتبار هم دارای شخصیت حقوقی است.

۳. شرایط اعاده اعتبار اشخاص حقوقی

در ابتدا باید اشاره نمود که قانونگذار ما در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ دو نوع اعاده اعتبار را پیش‌بینی نموده است. اولی موضوع حکم ماده ۵۶۱ که اعاده اعتبار حقی یا واقعی یا حقیقی است و دومی موضوع حکم ماده ۵۶۵ که اعاده اعتبار قانونی است. همچنین باید متذکر شد که جمعی از بزرگان علم حقوق قائل به تقسیم اعاده اعتبار به حقی و قانونی نیستند، چراکه هم اعاده اعتبار مذکور در ماده ۵۶۱ قانونی تجارت فعلی و هم اعاده اعتبار موجود در ماده ۵۶۵ آن، هر دو دارای منشأ قانونی‌اند و بر این اساس اعاده اعتبار در هر دو صورت بایستی قانونی تلقی گردد، هر چند هر کدام از آنها دارای شرایط خاص خود هستند.^۳

گذشته از این تشکیکات ذهنی که در عالم حقوق وجود دارد و در عمل نیز اثر خاصی بر آنها مترتب نمی‌گردد، تدوین‌کنندگان لایحه اصلاح قانون تجارت بر خود دیدند تا به این تنازعات مربوط به ماهیت منشأ اعاده اعتبار در لایحه مذکور و در بحث مربوط به اعاده

۱. محمد روشن، بررسی فقهی و حقوقی اعسار، افلاس و ورشکستگی (تهران: فردوسی، ۱۳۸۴)، ۳۲۷.

۲. دمرچیلی، حاتمی و قرایی، پیشین، ۷۳۹.

۳. فرشید فرحناکیان، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی (تهران: میزان، ۱۳۹۰، چاپ چهارم)، ۶۲۵.

اعتبار پایان بخشیده و در ماده ۱۱۴۲ آن تنها اعاده اعتبار قانونی را به رسمیت شمارند.^۱ با توجه به توضیحات مذکور ابتدا به بررسی انواع اعاده اعتبار و شرایط آن در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ پرداخته و پس از آن شرایط اعاده اعتبار را در لایحه اصلاح قانون تجارت مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

۱-۳. اعاده اعتبار در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱

۱-۱-۳. شرایط اعاده اعتبار حقی

مقنن در ماده ۵۶۱ مقرر نموده است: «هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی را که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار پیدا می‌کند». طبق این ماده تنها شرط این نوع از اعاده اعتبار، پرداخت تمامی دیون با متفرعات آن است. تاجر با پرداخت کلیه دیون خود، حسن نیت خود را نشان داده و مجدداً اعتماد مردم را جلب کرده و شایسته ادامه تجارت خود می‌شود. بنابراین در هر موقعی که تاجر بتواند کلیه بدهی‌های خود را پرداخت کند می‌تواند تقاضای اعاده اعتبار کند.^۲

۱-۲-۳. شرایط اعاده اعتبار قانونی

در ماده ۵۶۵ قانونگذار نوعی دیگر از اعاده اعتبار را پیش‌بینی نموده است که به موجب آن با اینکه تاجر کلیه دیون خود را پرداخت نکرده، با شرایطی این حق به او داده شده است که بتواند قانوناً تقاضای اعاده اعتبار نماید. این شرایط عبارت‌اند از:

۱. پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی گذشته باشد.
۲. تاجر صحت عمل خود را در این مدت ثابت کند.
۳. یکی از این سه امر محقق شده باشد:

الف - تاجر ورشکسته تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمامی وجوهی که به موجب قرارداد به عهده گرفته پرداخته باشد.

ب - کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده باشند.

ج - کلیه طلبکاران به اعاده اعتبار او رضایت داده باشند.

برای اعمال این ماده در مورد اشخاص حقوقی باید بین دو مورد تفکیک کرد:

۱. این ماده اعلام می‌دارد: «هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون و متفرعات آن و مخارج تصفیه را ظرف کمتر از دو سال پیش از اعلام ختم عملیات ورشکستگی بپردازد، می‌تواند تقاضای اعاده اعتبار کند مشروط بر اینکه به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب محکوم نشده باشد».

۲. ستوده تهرانی، پیشین، ۱۹۹.

نخست اینکه چنانچه با شرکت قرارداد ارفاقی منعقد شده باشد؛ چنانچه با شرکت قرارداد ارفاقی منعقد شده باشد و شرکت کلیه وجوهی را که به موجب قرارداد ارفاقی به عهده گرفته است پرداخته باشد و همچنین پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی گذشته و در این مدت صحت عمل او اثبات شده باشد می‌تواند اعاده اعتبار پیدا کند. طبق ماده ۴۸۹ قانون تجارت ممکن است برخی از طلبکاران با تاجر ورشکسته قرارداد ارفاقی منعقد نکرده باشند و سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به طلبکاران می‌رسد دریافت کرده باشند. بند اول ماده ۵۶۵ عدم پرداخت طلب چنین طلبکارانی را مانع اعاده اعتبار تاجر ورشکسته نمی‌داند.^۳ همچنین اگر در این فرض شرکت کلیه بدهی‌ها و متفرعات آن را نپرداخته، ولی طلبکاران به اعاده اعتبار او رضایت دهند یا ذمه او را بری کنند می‌تواند اعتبار خود را اعاده نماید. برخی از حقوقدانان چنین پنداشته‌اند که تاجر ورشکسته در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌تواند اعتبار خود را اعاده کنند و از مفهوم مخالف آن نتیجه گرفته‌اند که پس از انقضای مدت پنج سال نمی‌تواند اعاده اعتبار پیدا کنند، ولو اینکه تمام وجوهی را که به موجب قرارداد ارفاقی به عهده گرفته‌اند پرداخته باشند.^۴

این برداشت مخالف حکم ماده ۵۶۵ است. طبق این ماده تاجر باید صحت عمل خود را در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی ثابت کند.^۵ نه اینکه ظرف این مدت اعاده اعتبار نماید. حتی باید گفت که صحت عمل تاجر باید تا زمان صدور حکم اعاده اعتبار ادامه داشته باشد.^۶

تنها در این صورت است که دادگاه حکم به اعاده اعتبار می‌دهد. ایراد دیگر این نظر این است که ممکن است مدت قرارداد ارفاقی بیش از پنج سال باشد؛ طبق این نظر تاجر نمی‌تواند پس از پایان قرارداد ارفاقی و عمل به مفاد آن، اعاده اعتبار حاصل کند. چنین نتیجه‌ای مغایر با هدف تاجر از انعقاد قرارداد ارفاقی بوده و قرارداد ارفاقی را از اساس سست نموده و هیچ انگیزه‌ای برای تاجر برای عمل به مفاد آن باقی نمی‌گذارد.

در ضمن چنانچه با شرکت قرارداد ارفاقی منعقد نشده باشد؛ در این صورت چنانچه تصفیه بیش از پنج سال طول کشید — از تاریخ اعلان ورشکستگی — و شخص حقوقی در این مدت صحت عمل داشته و طلبکاران ذمه او را بری کردند یا به اعاده اعتبار او رضایت دادند، می‌تواند اعاده اعتبار پیدا کند؛ اما در صورتی که امر تصفیه قبل از پنج سال تمام شود و شرکت توان

۳. حسنی، پیشین، ۷۰۰.

۴. همان، ۷۰۱.

۵. قائم‌مقام فراهانی، پیشین، ۲۰۱.

۶. ستوده تهرانی، پیشین، ۲۰۱.

پرداخت طلب تمام بستانکاران را نداشته باشد، در این صورت پس از تقسیم اموال شخصیت حقوقی شرکت زایل می‌گردد و رضایت بعدی طلبکاران یا براءت ذمه بعدی شرکت نیز تأثیری در اعاده اعتبار او ندارد، چراکه شرط اول یعنی گذشت پنج سال محقق نشده است. البته باید توجه داشت که این شرط جنبه تبعی دارد. آنچه در نظر قانونگذار ما مهم است، این است که تاجر در مدت پنج سال صحت عمل داشته باشد، در غیر این صورت حتی اگر طلبکاران ذمه او را بری کنند باز هم قانونگذار به تاجر - شخص حقیقی یا حقوقی - اجازه اعاده اعتبار نمی‌دهد. بنابراین در صورتی که شرکا مایل به همکاری با هم باشند - معمولاً در شرکت‌های شخصی - چاره‌ای جز تشکیل شرکت جدید ندارند. شاید مقصود مرحوم خواجه‌بوی از اینکه اشخاص حقوقی نمی‌توانند اعاده اعتبار پیدا کنند همین فرض باشد.

۲-۳. اعاده اعتبار در لایحه اصلاح قانون تجارت

همان‌طور که ذکر شد، مشکلاتی که به دلیل عدم تصریح قانونگذار در رابطه با قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی ایجاد شده، باعث ایجاد اختلاف نظر میان حقوقدانان و حتی قضات دادگاه‌ها شده است. بر همین اساس در لایحه اصلاح قانون تجارت قصد بر آن بود تا به عمر این خلأ قانونی پایان داده شود. ماده ۱۱۴۲ لایحه مذکور بیان می‌دارد: «هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود و متفرعات آن و مخارج تصفیه را ظرف کمتر از دو سال از اعلام ختم عملیات ورشکستگی بپردازد، می‌تواند تقاضای اعاده اعتبار کند مشروط بر اینکه به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب محکوم نشده باشد». برخلاف قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ که به عقیده برخی دو نوع اعاده اعتبار را شناسایی نموده، با استناد به این ماده باید بیان داشت که لایحه اصلاح قانون تجارت تنها اعاده اعتبار قانونی را پذیرفته است.

پرسشی که در ابتدا قابل طرح است این خواهد بود که ماده ۱۱۴۲ لایحه اصلاحی همچون ماده ۵۶۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، از عبارت «تاجر ورشکسته» استفاده نموده و باز هم امکان اعاده اعتبار شخص حقوقی - همچون ایرادی که بر قانون تجارت کنونی وارد است - مورد تردید خواهد بود. در پاسخ به این پرسش باید گفت: درست است که ماده ۱۱۴۲ لایحه اصلاحی که برگرفته از ماده ۵۶۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ است؛ عیناً همان عبارت را استعمال نموده، اما با مراجعه به انتهای قسمت دوم افراد موضوع ماده ۲۰۱ لایحه مذکور درمی‌یابیم که قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی صریحاً مورد تأیید واقع شده است. با این تفضیل که ماده اخیرالذکر مقرر می‌دارد: «اشخاص زیر نمی‌توانند به عنوان مدیر شرکت یا نماینده تام‌الاختیار شخص حقوقی مدیر، انتخاب یا در این سمت ابقا شوند:

۱. محجوران؛ ۲. تاجر ورشکسته و مدیر یا مدیران و مدیرعامل شخص حقوقی ورشکسته تا پیش از اعاده اعتبار ...».

ممکن است گفته شود که عبارت «ورشکسته»^۱ به کار رفته در این جمله صفت برای «مدیر یا مدیران و مدیرعامل» بوده و بر این اساس باز هم قابلیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی ورشکسته از منطوق این ماده قابل برداشت نیست. این گفته چندان صحیح به نظر نمی‌رسد، چراکه صدور حکم ورشکستگی مختص شخص تاجر است و انجام امور تجاری شرکت از سوی مدیران و مدیرعامل، آنها را مُتصِف به وصف تاجر نمی‌نماید^۱ - هر چند ممکن است به دلیل تقصیرشان، از برخی حقوق اجتماعی محروم شوند - تا حکم ورشکستگی برای آنان صادر شده و مشمول ماده ۲۰۱ گردند. با این توصیف قطعاً صفت ورشکسته به شخص حقوقی بازمی‌گردد.

فی‌الواقع مفهوم ماده مذکور این است که مدیران و یا مدیرعامل شخص حقوقی که در زمان ورشکستگی در این سمت بوده‌اند مادام که از شرکت مذکور اعاده اعتبار نشده، نباید به سمت مدیر یا مدیرعاملی هر شخص حقوقی تاجری برگزیده شوند.

همچنین باید افزود که چنانچه قصد تدوین‌کنندگان لایحه اصلاحی چنین باشد؛ به این معنی که عبارت «ورشکسته» را صفت برای عبارت «مدیران یا مدیرعامل» بدانیم، باید قائل به این شویم که حکم لغو و بیهوده‌ای در اینجا صادر گردیده است، چراکه مدیران یا مدیرعامل ورشکسته، مشمول حکم شخص حقیقی تاجر - معنای خاص لفظ تاجر - می‌شوند. این در حالی است که در ابتدای این قسمت از ماده، حکم تاجر ورشکسته در معنای خاص خود تعیین گردیده است.

توضیح اینکه با اندکی تأمل در مواد دیگر خواهیم فهمید که عبارت «تاجر» در این لایحه در دو معنی عام و خاص به کار گرفته شده است. معنای عام آن متضمن شخص حقیقی و شخص حقوقی بوده^۲ و معنای خاص آن نیز فقط شامل شخص حقیقی می‌شود و لفظ «تاجر ورشکسته»^۱ مستعمل در ابتدای همین قسمت از ماده ۲۰۱ لایحه نیز معنای خاص لفظ تاجر را می‌رساند، یعنی فقط اشاره به شخص حقیقی ورشکسته دارد و قطعاً سعی گردآورندگان لایحه اصلاح قانون تجارت نیز بر این بوده تا برای رفع شائبه‌های موجود در قانون قبلی و ایجاد ابداعاتی نوین در قانون جدید، حکم خاص امکان اعاده اعتبار اشخاص

۱. تبصره ماده ۳ لایحه مذکور اعلام می‌دارد: «فعالیت‌هایی که نمایندگان یا قائم‌مقام‌های تاجر از طرف وی انجام می‌دهند، در حکم فعالیت‌های خود تاجر است»

۲. ماده ۱ لایحه اصلاحی دربردارنده همین معنی از لفظ تاجر است: «تاجر شخصی است که به منظور کسب منفعت مادی، برای خود به فعالیت تجاری می‌پردازد».

حقوقی، صریحاً و به طور جداگانه در ادامه ماده بیان گردد.۱
با عنایت به توضیحات داده شده می‌توان مدعی شد که لایحه اصلاح قانون تجارت - برخلاف قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ - امکان اعاده اعتبار شخص حقوقی را پیش‌بینی نموده است.

نتیجه‌گیری

تجارت بر اساس اعتماد و اعتبار استوار است. با صدور حکم ورشکستگی تاجر، اعتماد مردم از او سلب می‌شود و اعتبار بازرگانی وی از بین می‌رود. بر قانونگذار است که با پیش‌بینی شرایطی امکان اعاده اعتبار چنین اشخاصی را فراهم کند. اعاده اعتبار نیز عبارت است از بازگشت تاجر ورشکسته به موجب حکم دادگاه، به حقوق زمان قبل از ورشکستگی و اعتبار بازرگانی که به موجب قانون از او سلب شده است.

بر همین اساس قانونگذار در سال ۱۳۱۱ با تصویب قانون تجارت، اعاده اعتبار شخص تاجر را به رسمیت شناخته و بر آن آثاری مترتب نموده است. هر چند وضعیت شخص حقوقی تاجر را مسکوت گذارده است.

با بررسی‌هایی انجام شده مشخص گردید که اشخاص حقوقی نیز می‌توانند اعاده اعتبار پیدا کنند. در حقیقت چنانچه شخص حقوقی تاجر کلیه دیون خود را بپردازد، حقا می‌تواند اعتبار خود را اعاده کند. چراکه تنها شرط اعاده اعتبار حقی پرداخت تمامی دیون با متفرعات آن است و از این حیث میان شخص حقیقی و حقوقی تفاوتی وجود ندارد.

در مورد اعاده اعتبار قانونی اشخاص حقوقی نیز باید اشاره نمود که به موجب ماده ۵۰۶ قانون تجارت، می‌توان با شخص حقوقی نیز قرارداد ارفاقی منعقد کرد و طبق ماده ۵۶۵ قانون مذکور؛ تاجری که با وی قرارداد ارفاقی منعقد شده است، می‌تواند تحت شرایط مذکور در این ماده اعاده اعتبار حاصل کند. با این وصف جمع منطقی این دو ماده این خواهد بود که شخص حقوقی تاجر نیز می‌تواند با رعایت این شرایط اعاده اعتبار نماید، به ویژه اینکه عبارت «تاجر» در این ماده مطلق آمده و شامل اشخاص حقوقی نیز می‌گردد. گذشته از این، اعاده اعتبار از جمله صفات مختص به طبیعت انسان نیست تا آن را تنها به اشخاص حقیقی نسبت دهیم.

شرایط اعاده اعتبار قانونی را نیز باید در دو فرض بررسی نمود:

۱. ماده ۱۰۷۵ لایحه اصلاحی نیز که در آن، مدیرعامل شخص حقوقی ورشکسته از برخی حقوق اجتماعی محروم گردیده و تا اعاده اعتبار، این محرومیت‌ها از او رفع نمی‌گردد، متضمن چنین برداشتی است که اعاده اعتبار، ناظر به شخص حقوقی تلقی گردد و نه شخص حقیقی مدیرعامل.

چنانچه با شخص حقوقی تاجر قرارداد ارفاقی منعقد شده باشد؛ در صورتی که شرکت ظرف پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی صحت عمل داشته و کلیه وجوهی را که به موجب قرارداد به عهده گرفته پرداخته باشد، می‌تواند درخواست اعاده اعتبار کند. در این فرض اگر ورشکسته نتواند تمامی وجوه مزبور را پرداخت کند، ولی طلبکاران به اعاده اعتبار او رضایت دهند یا ذمه او را بری کنند می‌تواند اعتبار خود را اعاده کند.

اما چنانچه با شرکت قرارداد ارفاقی منعقد نشده باشد؛ در صورتی که از تاریخ اعلان ورشکستگی تا تصفیه کامل دیون، حداقل پنج سال طول بکشد و سایر شرایط فوق نیز وجود داشته باشد، این شخص حق اعاده اعتبار خواهد داشت. در صورت اتمام تصفیه قبل از این مدت، به دلیل از بین رفتن شخصیت حقوقی شرکت و عدم وجود شرط داشتن صحت عمل در مدت پنج سال، امکان اعاده اعتبار وجود نخواهد داشت.

در پایان باید اظهار داشت که از یک سو با مشاهده کاستی‌های موجود در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ در رابطه با وضعیت اعاده اعتبار اشخاص حقوقی تاجر که ناشی از دگرگونی مقتضیات تجارت در طول زمان هستند و از سوی دیگر لزوم توجه به منافع ناملموس ناشی از عملیات تجاری با حسن نیت شخص حقوقی تاجر در طول مدت تجارت خود، همچنین به رسمیت شناختن حقوق مالکیت فکری مربوط به اسم و علامت تجاری تاجر در دهه‌های اخیر؛ تدوین‌کنندگان لایحه اصلاح قانون تجارت را بر آن داشته تا ضمن تصریح بر امکان اعاده اعتبار اشخاص حقوقی در لایحه مذکور و پُر نمودن خلأ مورد انتقاد آن، به منازعات حقوقی ناشی از آن نیز خاتمه دهند.

منابع

۱. اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. تهران: سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۶.
۲. افتخاری، جواد. حقوق تجارت ۴ نظری و کاربردی: ورشکستگی و تصفیه امور ورشکستگی. تهران: ققنوس، ۱۳۷۹.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش، چاپ هفدهم، ۱۳۸۶.
۴. حسنی، حسن. حقوق تجارت. تهران: نشر میزان، ۱۳۷۸.
۵. خواجهی، محمد. «اعاده اعتبار شرکت‌های تجاری». مجله مجموعه حقوقی ۹ (۱۳۲۲).
۶. دمرچیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرائی. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران: میثاق عدالت، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.

۷. روشن، محمد. بررسی فقهی و حقوقی اعسار، افلاس و ورشکستگی. تهران: فردوسی، ۱۳۸۴.
۸. ستوده تهرانی، حسن. حقوق تجارت. ج ۴. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵.
۹. صقری، محمد. حقوق بازرگانی: ورشکستگی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
۱۰. فرحناکیان، فرشید. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، میزان، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۰.
۱۱. قائم‌مقام فراهانی، محمدحسین. حقوق تجارت: ورشکستگی و تصفیه. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵.
۱۲. وثوق آشتیانی، محمدعلی. «اعاده اعتبار بازرگانان و شرکت‌های تجاری». مجله مجموعه حقوقی ۲۶ (۱۳۲۲)، ۲۵۵ - ۲۵۷.

قوانین

۱. قانون تجارت مصوب، ۱۳۱۱.
۲. لایحه اصلاح قانون تجارت.

Possibility or impossibility of rehabilitation of legal entities and its condition in trade law act of 1311 looking to trade reform bill

Mehdi sokhanvar

Seyed ali hoseyni

abstract

Rehabilitation is return trader status and credit to rights before bankruptcy which are away from trader by the law. There is no doubt of complete rehabilitation of legal entities, because when a trader has refined all of his/her debts and its subsidiary, he/she rehabilitates indeed and none of business companies are excluded from this rule. It can be inferred from art.506 & 565 together that the legal entity can has a legal rehabilitation. Under art.506 legal entity can have a composition with its creditors and pursuant to art.565 a trader who has a composition can rehabilitate. So there is possibility of rehabilitation of legal entity because of survival of its legal character between dissolution and liquidation.

The business company which has a composition and fulfills its contractual obligations and proves its honesty within five years from the date of declaration of bankruptcy can rehabilitate. Also if the company which can't pay off its debts but its creditors give consent to its rehabilitation or discharge it from all of debts, can rehabilitate. When the company can't make a composition and liquidation is done before five years rehabilitation is not possible. As soon as liquidation takes at least five years from date of declaration of bankruptcy and other requirements present the company can do so.

Keywords:

Right rehabilitation -legal rehabilitation -Legal personality - Bankruptcy- composition.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XIII, No. 2

2014-2

- **Using of Human Shield as a War Crime**
Homayoon Habibi - Saleheh Ramezani
- **An analysis on interpretation of guardian council about Experimental Laws in three bills of "organization and procedure of Court of Administrative Justice", "customs affairs" and "commercial"**
Vahid Agah
- **Possibility or impossibility of rehabilitation of legal entities and its condition in trade law act of 1311 looking to trade reform bill**
Mehdi Sokhanvar - Seyed Ali Hoseyni
- **Monopoly in the light of Regulations and it's Enforcement in Iran Laws**
Heidar Piri - Mehdi Montazer - Azam Momemi Shio Yari
- **Succession of States in respect of State property and Debts**
Alireza Bagheri Abyaneh
- **International Law and Human Security at the Third Millennium**
Armin Talaat
- **The Role of Time Element In the interpretation of the International treaty**
Mozhgan Raminnia
- **Status of Corporate Governance in Iranian Law and the necessity of reviewing new trade bill**
Amin Jafari



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study